

ادبیات فارسی (۲)

- ۱- وبال: سختی، عذاب  
ستوه: درمانده و ملول  
(الهام مغمزی، ترکیبی)
- ۲- (اعظم نوری نیا، ادبیات داستانی معاصر، صفحه‌های ۳۴، ۳۶ و ۳۷)  
محظوظ: بهره‌ور / بلاعارض: بی‌رقیب / بادی: آغاز / وجنه: رخسار
- ۳- املائی صحیح کلمات عبارت‌اند از: «نصب، برگزاری، محو، یوزبانان، هزیمت».  
(الهام مغمزی، ترکیبی)
- ۴- (اعظم نوری نیا، ادبیات داستانی معاصر، صفحه‌های ۳۵ و ۳۹ تا ۴۱)  
تشریح گزینه‌های دیگر:  
گزینه‌ی «۱»: واژه‌ی «انضمام» در متن با املائی نادرست نوشته شده است.  
گزینه‌ی «۲»: واژه‌ی «تذکار» در متن با املائی نادرست نوشته شده است.  
گزینه‌ی «۳»: واژه‌ی «غلیبان» در متن با املائی نادرست نوشته شده است.
- ۵- (زهره فرایاری، مقدمه، صفحه‌ی ۴)  
در همه‌ی بیت‌ها به جز بیت گزینه‌ی «۳» آرایه‌ی تلمیح به کار رفته است.  
تشریح گزینه‌های دیگر:  
گزینه‌ی «۱»: تلمیح دارد به سفارش کردن حضرت علی (ع) به فرزندان که با قاتلش به نرمی برخورد کنند.  
گزینه‌ی «۲»: به جمله‌ی «لا فتی آلا علی، لا سیف آلا ذوالفقار» تلمیح دارد.  
گزینه‌ی «۴»: به ماجرای عاشورا و شهادت امام حسین (ع) تلمیح دارد.
- ۶- (اعظم نوری نیا، ادبیات داستانی معاصر، ترکیبی)  
تشریح گزینه‌های دیگر:  
گزینه‌ی «۲»: «باران اشک» تشبیه دارد.  
گزینه‌ی «۳»: «پخته و خام» تضاد دارند.  
گزینه‌ی «۴»: «ابر» استعاره از «دل» و «آتش» استعاره از «اندوه» است.
- ۷- (رُشا بان‌نژاد کهنه‌شوری، انواع ادبی (۱)، صفحه‌های ۷، ۱۲ و اعلام)  
مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری، مسجع، لطیف، دلنشین، ساده و سرشار از مضامین عرفانی است.
- ۸- (بهناز آرون، ادبیات داستانی معاصر، صفحه‌ی ۳۰)  
در داستان‌های محمدعلی جمال‌زاده، گوشه‌هایی از زندگی ایرانیان در دوره‌ی مشروطه به صورتی انتقادی و با نثری ساده، طنزآمیز و آکنده از ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات عامیانه بیان شده است.
- ۹- (بهناز آرون، انواع ادبی (۱)، صفحه‌ی ۲۷ کتاب درسی)  
مفهوم عبارت متن سؤال و گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» به ناپایداری قدرت دلالت دارند و بیانگر آن هستند که فرمان‌روایی و حکومت برای هیچ‌کس پایدار نمی‌ماند.
- ۱۰- (ناهید شهابی، مقدمه، صفحه‌ی ۲)  
بیت این گزینه، هم‌چنان که در آیه‌ی صورت سؤال آمده است به این موضوع اشاره دارد که «حضرت علی (ع) انگشتر خود را در نماز به سائل بخشید».

زبان فارسی (۳)

- ۱۱- (مرتضی منشاری، دستور، صفحه‌ی ۹ و ۱۰)  
قواعد هم‌نشینی: بشریت کمال حال ← کمال حال بشریت  
قواعد نحوی: مطابقت نداشتن نهاد و فعل: گذارد ← گذارند
- ۱۲- (سیریمال طباطبایی نژاد، دستور، صفحه‌ی ۱۰)  
«دو صد مرد آتش فروز» نهاد جمله و جمع است حال آن‌که فعل «بیامد» مفرد است و ناهماهنگی نهاد و فعل، نحو جمله را دچار اشکال می‌کند.
- ۱۳- (سوزن آقایی، زبان‌شناسی، صفحه‌ی ۹ و ۱۱)  
استهلال‌های بראعت زیبا؛ اشکال هم‌نشینی دارد ← براعت استهلال‌های زیبا.  
به دانشگاه رفتن براعت استهلال، اشکال معنایی دارد.
- ۱۴- (اعظم نوری نیا، قواعد ترکیب، صفحه‌ی ۱۰)  
اسم (آسمان) + نقش‌نمای - + صفت (خاکستری) + نقش‌نمای + + صفت (دودآلود) + نقش‌نمای - + اسم (شهرهای) + نقش‌نمای - + صفت (بزرگ) + نقش‌نمای - + اسم (جهان) + نقش‌نمای - + اسم (امروز).
- ۱۵- (سیریمال طباطبایی نژاد، زبان‌شناسی، صفحه‌ی ۱۹)  
«غصه و قصه» هم‌آوا نیستند، زیرا تلفظ یک‌سان ندارند: غَصّه و قِصّه و «ملک و مُلک» هم‌آوا نیستند، زیرا تلفظ یک‌سان ندارند: مَلِک و مُلِک. «کِرِم و کَرَم» هم‌آوا نیستند، زیرا تلفظ یک‌سان ندارند: کِرِم و کَرَم.
- ۱۶- (شیرین پنگیزی، دستور، صفحه‌ی ۱۳)  
علی بسیار تمایل داشت که کلاس‌های درسش با مباحثه همراه باشد. (۱) پیش می‌آمد که دانشجویان پس از شنیدن ... تشویق می‌کردند. (۲) همیشه توصیه می‌کرد ... کنید. (۳)
- ۱۷- (رُشا بان‌نژاد کهنه‌شوری، نگارش، صفحه‌ی ۱۷)  
در این گزینه، تمام ارکان جمله به شیوه‌ی عادی که در نوشته‌های خبری، علمی، اداری و آموزشی به‌کار می‌رود، بیان شده است، نه شیوه‌ی بلاغی. توضیح این‌که در شیوه‌ی بلاغی اجزای کلام بر حسب تشخیص نویسنده و برای تأثیر بیشتر سخن، جابه‌جا می‌شوند.
- ۱۸- (سیریمال طباطبایی نژاد، دستور، صفحه‌های ۹، ۱۵ و ۱۶)  
هسته‌ی گروه نهادی این جمله «اندیشمند» است.  
ء ا ن ا د ی ا ش ا م ا ن ا د = مطابق الگوی گزینه‌ی «۴» است.
- ۱۹- (الهه پاک‌نیت، زبان‌شناسی، صفحه‌ی ۱۶)  
دانشگاه: د ا ا ا ن ا - ا ش ا گ ا ا ا ه (۸ واج)  
تشریح گزینه‌های دیگر:  
گزینه‌ی «۱»: ب ا - ا ا ا ر (۵ واج)  
گزینه‌ی «۲»: ت ا - ا ل ا - ا ف ا ا ن (۷ واج)  
گزینه‌ی «۴»: س ا - ا ل ا ا م (۵ واج)



۲۰-

(اعظم نوری‌نیا، زبان‌شناسی، صفحه‌ی ۱۵ کتاب درسی)  
 تکواژها: این / نویس / آنده / از / بزرگ / ان / ادب / ای / ات / فارسی / تقلید / کرد  
 / است / است / ۱۸ تکواژ  
 واژه‌ها: این / نویسنده / از / بزرگان / ادبیات / فارسی / تقلید / کرده / است / ۱۰ واژه

**زبان فارسی (۱۳) (شاهد گواه)**

۲۱-

(کنکور سراسری هنر ۸۷، دستور، صفحه‌ی ۱۰ کتاب درسی)  
 «گروه‌هایی، مرکز، آموزش، استان، تهران» ← اسم  
 «بهترین، دو، درمانی» ← صفت

۲۲-

(کنکور سراسری انسانی ۸۱، دستور، صفحه‌ی ۸ کتاب درسی)  
 ۱۱۱ س ۱۱۱ ی ۱ - ا ش ا گ ۱۱ ا ه  
 ص ا م ا ص ا م ا ص ا م ا ص

۲۳-

(کنکور سراسری تهرانی ۸۱، دستور، صفحه‌ی ۱۵ کتاب درسی)  
 تکواژها: اوستا / شاعر / ا - ا - درد / آشنا / شعر / ا - خود / ا - ا - در / خدمت / اعتقاد /  
 - / خویش / ا - ا - ا - داد / ه / است / ۲۰ تکواژ  
 واژه‌ها: اوستا / شاعر / ا - درد / آشنا / شعر / ا - خود / ا - ا - در / خدمت / اعتقاد /  
 - / خویش / ا - ا - ا - ا - قرار / داده / است ( ۱۵ واژه)

۲۴-

(کنکور سراسری زبان ۸۹، نگارش، صفحه‌ی ۱۷ کتاب درسی)  
 گزینه‌ی «۴»: نهاد جمله در ابتدا و سایر اجزای جمله در جای مناسب خود قرار گرفته‌اند و شیوه‌ی عادی است.  
 گاهی اجزای کلام برای تأثیر بیش‌تر سخن، بنا بر تشخیص نویسنده جا به جا می‌شود تا شیوایی و رسایی کلام بیش‌تر گردد. به این‌گونه‌ی بیان «شیوه‌ی بلاغی» می‌گویند. این شیوه در مقابل شیوه‌ی عادی قرار می‌گیرد.  
**تشریح گزینه‌های دیگر:**  
 گزینه‌ی «۱»: فعل «بگردد» بر سایر اجزای مقدم جمله مقدم شده و شیوه‌ی بلاغی است.  
 گزینه‌ی «۲»: مفعول «ما» در مصراع اول و نهاد «که و مه» در مصراع دوم پس از فعل آمده‌اند و شیوه‌ی بلاغی است.  
 گزینه‌ی «۳»: فعل جمله دوم در مصراع اول و هم‌چنین فعل جمله اول در مصراع دوم بر سایر اجزای جمله مقدم شده‌اند و شیوه‌ی بلاغی است.

۲۵-

(کنکور آژار ریاضی ۸۷، نگارش، صفحه‌ی ۱۶ کتاب درسی)  
 گزینه‌ی «۴»: ص ا ی ای ۱۱ د ← ۶ واج  
**تشریح گزینه‌های دیگر:**  
 گزینه‌ی «۱»: ا - ا - خ / ا - ا - ا - ر ا - ا - ن / ا - س ← ۱۱ واج  
 گزینه‌ی «۲»: م - ا - ا - ا - ا - ف / ا - ا - ا - ت ← ۹ واج  
 گزینه‌ی «۳»: ا - ا - ا - ن / ا - د - ا - ← ۷ واج

۲۶-

(آزمایشی سنجش ۸۴، نگارش، صفحه‌ی ۱۴ کتاب درسی)  
 شب از چشم تو آرامش را به وام دارد  
 گروه ۱ گروه ۲ گروه ۳ گروه ۴

۲۷-

(کنکور آژار انسانی ۸۹، نگارش، صفحه‌ی ۱۳ کتاب درسی)  
 بزرگ‌ترین واحد زبان جمله‌ی مستقل است که از واحدهای کوچک‌تر ساخته شده است و خود جزئی از یک واحد بزرگ نیست. واحدهای زبانی از بزرگ به کوچک عبارت‌اند از:  
 ۱- جمله‌ی مستقل ۲- جمله ۳- گروه ۴- واژه ۵- تکواژ ۶- واج

۲۸-

(کنکور سراسری انسانی ۸۲، دستور، صفحه‌ی ۱۰ کتاب درسی)  
 همان / چهار / دانشجو / ای / موفق / ا - مسابقات / ا - کشوری

۲۹-

(آزمایشی سنجش ۸۵، نگارش، صفحه‌ی ۱۸ و ۱۹ کتاب درسی)  
 واژه‌ی «صواب» در متن نادرست نوشته شده است.

۳۰-

(کنکور آژار ریاضی ۸۹، نگارش، صفحه‌ی ۱۶ کتاب درسی)  
 گزینه‌ی «۱»: مردان عمل: م - ا - ر ا - د ا - ا - ن / ا - ا - ع ا - م ا - ا - ل ← ۱۲ واج  
**تشریح گزینه‌های دیگر:**  
 گزینه‌ی «۲»: اختر بخت: ا - ا - ا - خ ا - ا - ر ا - ا - ب ا - ا - خ ا - ت ← ۱۱ واج  
 گزینه‌ی «۳»: دست اراده: د - ا - س ا - ت ا - ا - ا - ا - د ا - ا - ل ← ۱۱ واج  
 گزینه‌ی «۴»: کوه بلند: ک ا و ا - ا - ب ا - ا - ا - ل ا - ا - ن ا - د ← ۱۰ واج

**ادبیات فارسی (۱)**

۳۱-

(اعظم نوری‌نیا، ترکیبی، صفحه‌های ۱۴، ۱۷، ۳۱ و ۳۳)  
 آژگار: زمانی دراز، به‌طور مداوم، تمام و کامل / استیصال: ناچاری، درماندگی / مصاف: جمع مصف به معنی محل‌های صف بستن، میدان‌های جنگ / دغل: مکر و حیله

۳۲-

(اعظم نوری‌نیا، ترکیبی)  
 معنی چهار واژه درست است.  
 معنی پنج واژه نادرست است.  
 خدو: آب دهان / اسلوب: روش / استشاره: مشورت کردن / خفایا: نپهان‌ها / درزی: خیانت

۳۳-

(سیرفعال طباطبایی‌نژاد، ادبیات داستانی معاصر، ترکیبی)  
 واژه‌ی «بقولات» با املا‌ی نادرست نوشته شده است.

۳۴-

(اعظم نوری‌نیا، انواع ادبی (۱)، صفحه‌ی ۸ و ۹)  
 صورت درست واژگان نادرست در سایر گزینه‌ها:  
 گزینه‌ی «۲»: بخاست / گزینه‌ی «۳»: سلیج / گزینه‌ی «۴»: قضا

۳۵-

(ناهد شهبازی، ترکیبی، صفحه‌ی ۱۳)  
 گزینه‌ی «۲»: تلمیح (اشاره به جنگ خیبر) دارد. / اغراق ندارد.  
**تشریح گزینه‌های دیگر:**  
 گزینه‌ی «۱»: تکرار مصوت «آ» آرایه‌ی نغمه‌ی حروف را پدید آورده است. گریه‌ی شاعر به «بارش ابر بهاری» تشبیه شده است.  
 گزینه‌ی «۳»: «فلک، رنگ باخت» آرایه‌ی تشخیص دارد. / «شیر» استعاره از «حضرت علی (ع)» و «پلنگ» استعاره از «عمرو» است.  
 گزینه‌ی «۴»: «تورگس جادو» استعاره از «چشم» است. «مست و هشیار» تضاد دارند.

۳۶-

(بهناز آرون، مقدمه، صفحه‌ی ۱)

کلمات دارای سجع در سایر گزینه‌ها عبارت‌اند از:  
گزینه‌ی «۱»: عطایی، راهنمایی  
گزینه‌ی «۳»: بدی، خوبی  
گزینه‌ی «۴»: مجروح، نوح

۳۷-

(بهناز آرون، انواع ادبی (۱)، صفحه‌ی ۱ و ۱۶ و اعلام)

این حسام خوشفی شاعر قرن هشتم و نهم است.

۳۸-

(اعظم نوری‌نیا، ادبیات داستانی معاصر، صفحه‌ی ۲۹ و ۳۰ و بخش اعلام)

ژیل بلاس» رمان فرانسوی از آلن رنه لوساز است و نخستین رمان فرانسوی به‌شمار می‌رود. «تلخ و شیرین» از آثار محمدعلی جمال‌زاده است.

۳۹-

(کلیف کاکلی، ادبیات داستانی معاصر، صفحه‌ی ۳۰ تا ۳۲)

«باز نیامد آب به جوی» کنایه از برگشت‌ناپذیری کار انجام شده است. از معادلات کنایی این عبارت «فتن تیر از شست» است. «چین به‌صورت انداختن» کنایه از ناراحت و خشمگین شدن است.

۴۰-

(سیربمال طباطبایی‌نژاد، انواع ادبی (۱)، صفحه‌ی ۸ و ۹)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «سر آری زمان» کنایه از «کشته‌می‌شوی». / گزینه‌ی «۳»: «کام نمی‌بینی»: به آرزویت نمی‌رسی، کنایه از «کشته‌می‌شوی». / گزینه‌ی «۴»: «مصراع دوم یعنی «روزگار مرا وسیله‌ی نابودی تو کرده است.» کنایه از «کشته می‌شوی».

### ادبیات فارسی (۲) (شاهد «گواه»)

۴۱-

(کنگور سراسری زبان ۸۱ (با تغییر)، ترکیبی)

هله: صوت تنبیه به معنی آگاه باش / متحیر: سرگشته، حیران / غضنفر: شیو / گبر: نوعی جامه‌ی جنگی، خفتان / پتیاره: مهیب، زشت

۴۲-

(کتاب آبی، انواع ادبی (۱)، صفحه‌ی ۱ کتاب درسی)

«خز» جانوری است معروف که از پوست آن پوستین سازند. در این بیت، صرفاً «پوستین خز» (پوستینی از جنس خز) منظور است.

۴۳-

(سنجش ۸۱ (با تغییر)، ادبیات داستانی معاصر، صفحه‌ی ۳۵ کتاب درسی)

کلمه‌ی «صیغه» با املای نادرست نوشته شده است.

۴۴-

(سنجش ۸۳، مقدمه، صفحه‌ی ۴ کتاب درسی)

در سایر گزینه‌ها اشاره به کلماتی چون قیصر و کی، یوسف و چاه، شاه ترکان و تهمتن باعث ایجاد «تلمیح» شده است.

۴۵-

(کنگور سراسری تبری ۸۶، ترکیبی)

تشخیص و استعاره: هواداری کردن غنچه / استعاره: پیراهن، استعاره از مجموعه‌ی گلبرگ‌هاست. / کنایه: پیراهن دیدن کنایه از شکفته شدن

۴۶-

(کتاب آبی، ترکیبی، صفحه‌ی ۴ و ۳۲ کتاب درسی)

«بازار چیزی را شکستن» کنایه از «بی‌رونی کردن آن» است. «سامری» نیز مرد هم‌عصر موسای نبی بود که با گوساله‌ی زرینی که ساخت، مردم بسیاری را فریفت.

۴۷-

(سنجش ۹۰ (با تغییر)، ترکیبی، صفحه‌ی ۳۰ و اعلام کتاب درسی)

«سه قطره خون» از آثار صادق هدایت و «هفت کشور» از آثار محمدعلی جمال‌زاده است.

۴۸-

(سنجش ۹۰، ادبیات داستانی معاصر، صفحه‌ی ۲۹ کتاب درسی)

ادبیات داستانی معاصر از اوایل دوره‌ی مشروطه با کتاب‌هایی نظیر سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم‌بیگ از «زین‌العابدین مراغه‌ای» و مسالک‌المحسنین از «عبدالرحیم طالبوف» آغاز شد.

۴۹-

(کنگور سراسری ریاضی ۸۹، انواع ادبی (۱)، صفحه‌ی ۱ کتاب درسی)

مفهوم بیت صورت سؤال بر کوتاهی و ناپایداری عمر دلالت دارد. بیت گزینه‌ی «۴» نیز عمر را همچون وامی می‌داند که جهان به انسان داده است و دوباره آن را باز می‌ستاند.

۵۰-

(کتاب آبی، مقدمه، صفحه‌ی ۲ کتاب درسی)

در بیت صورت سؤال شفاعتگری حضرت علی (ع) برای نجات مخلوقات از آتش دوزخ مطرح شده است و در گزینه‌ی «۲» نیز شاعر می‌گوید: «اگر لطف دوست شامل حالت نشود در روز قیامت پریشان حال خواهی شد.»

### عربی (۲)

۵۱-

(کنگور سراسری ۸۹، ترجمه، ترکیبی)

«بعض»: بعضی، برخی / «المواد الغذائية»: مواد غذایی / «مؤثراً»: مؤثر / «فی از دیاد»: در افزایش / «قدرة التعلّم»: قدرت یادگیری / «بسبب»: به سبب، به دلیل، به علت / «میزاتها الخاصة»: ویژگی‌های خاص خود  
(«میزاتها الخاصة» تنها در گزینه‌ی «۳» به‌درستی ترجمه شده است.)

۵۲-

(اهم طریق، ترجمه، ترکیبی)

ترجمه‌ی صحیح عبارت گزینه‌ی «۱»، این‌گونه است: «عاقل کسی است که از تجربه‌ها پند می‌گیرد.»

۵۳-

(کنگور سراسری ۸۸، ترجمه، ترکیبی)

«نعمتان» (خبر جمله‌ی اسمیه): دو نعمتی هستند / «یزین»: «یزین می‌کنند، می‌آرایند» / «من»: هر کس / «یشاء»: (در این جا) بخواهد

۵۴-

(ابوطالب مفتاری، مفهوم، ترکیبی)

با توجه به معنای عبارت سؤال (اگر سختم گفتارم) در اختیارم بود، مالک جانم بودم. می‌توان دریافت که از نظر مفهوم با گزینه‌ی «۳» تناسب دارد: «انسان زنده است مادامی که زبانش در اختیار اوست.»  
سایر گزینه‌ها با عبارت سؤال، تناسب مفهومی ندارند.

۵۵-

(ولی‌الله نوروزی، تعریب، صفحه‌ی ۲۷)

تعریب صحیح عبارت: «قَرَأْتُ الْمُجَلِّدِينَ اللَّتِينِ فِي مَكْتَبَتِي.»

۵۶-

(ابوالفضل تاپیک، تعریب، صفحه‌ی ۲۷)

این کشاورزان: «هؤلاء الفلاحون»، رساندن: «ایصال»، خودکفایی: «الاکتفاء الذآتی»

■ ترجمه‌ی متن:

در تاریخ این گونه خوانده‌ایم: مردی فقیر بر یکی از یاران پیامبر (ص) در راه سلام کرد. پس صحابی سلام، را به سردی پاسخ می‌دهد. بعد از مدتی مردی ثروتمند بر آن صحابی سلام می‌کند، پس از جایش بلند می‌شود و سلام را با گرمی به او پاسخ می‌دهد و با احترام به او دست می‌دهد و به او خوش آمد می‌گوید... هنگامی که خیر به رسول خدا (ص) رسید، تأسف خورد و فرمود: «هر کس فقیر مسلمان را ملاقات کند و بر او برخلاف سلام کردنش بر ثروتمندان، سلام کند، خداوند - عزوجل - را روز قیامت ملاقات می‌کند در حالی که بر او خشناک است.»

۵۷-

(مبیر همایی، درک مطلب، صفحه‌ی ۲۵)

گزینه‌ی «۳» که می‌گوید: «هیچ تفاوتی میان فقیر و ثروتمند نیست.» عنوان مناسبی برای متن است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «ثروتمند از فقیر برتر است.» نادرست است.

گزینه‌ی «۲»: «در اسلام فقیر بر ثروتمند برتری دارد.» نادرست است.

گزینه‌ی «۴»: «مردم فقیران را دوست دارند و آن‌ها را گرامی می‌دارند.» نادرست است.

۵۸-

(مبیر همایی، درک مطلب، صفحه‌ی ۲۵)

گزینه‌ی «۲»: «پیامبر خدا (ص) کار صحابی را تأیید می‌کند.» نادرست است.

ترجمه‌ی گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: بر اساس متن، «آن صحابی ثروتمند را بر فقیر برتری داد.»

گزینه‌ی «۳»: «در اسلام، سلام بر فقیر تفاوت نمی‌کند با سلام بر ثروتمند.»

گزینه‌ی «۴»: «پیامبر (ص) دوست ندارد که به فقیر یا سردی سلام کنیم.»

۵۹-

(مبیر همایی، تشکیل، صفحه‌ی ۲۵)

حرکت گذاری صحیح کل عبارت این چنین است:

«قَدْ قرأنا فی التاريخ هكذا؛ سلم رجل فقير على أحد أصحاب النبي (ص) فی الطريق، فیرد الصحابی السلام ببرودة.»

۶۰-

(مبیر همایی، تحلیل صرفی، صفحه‌ی ۲۵)

«صُفَّحُ»: فعل مضارع، للغائب، مزيد ثلاثي من باب «مفاعلة» و مصدره «مصافحة» و از نظر اعراب فعل و فاعله ضمیر مستتر (هو).

۶۱-

(مبیر همایی، تحلیل صرفی، صفحه‌ی ۲۵)

«الفقير»: اسم، مفرد، مذکر، معرفة بأل، مشتق (صفة مشبهة)، معرب / مفعول به و منصوب

۶۲-

(سیدمفید علی مرتضوی، جمله‌ی فعلیه، صفحه‌ی ۱۴)

«نا» فاعل و «ک» مفعول به، هر دو از نوع ضمیر هستند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «من» و «کلام» هر دو فاعل از نوع اسم ظاهر هستند.

گزینه‌ی «۲»: «الصحابی» فاعل و «ما» مفعول به، هر دو از نوع اسم ظاهر هستند.

گزینه‌ی «۳»: «السَّمَاوَات» مفعول به از نوع اسم ظاهر است.

۶۳-

(درویشعلی ابراهیمی، معرفه و نکره، صفحه‌ی ۲۳ و ۲۵)

در گزینه‌ی «۴» سه نوع از انواع معرفه وجود دارد:

۱- معرفه (اسم اشاره) ← هذا

۲- معرفه به «أل» ← المكان - المقدس - الرجل - المحسن

۳- معرفه (علم) ← بهلول

سایر گزینه‌ها، همگی دارای دو نوع معرفه هستند.

۶۴-

(مریم آقایی، ثلاثی مزید، صفحه‌ی ۲)

به صورت «أنتم تَعَلَّمُوا» صحیح است، چون امر صیغه‌ی «للمخاطبین» بوده که از

«تَعَلَّمُونَ» ساخته شده است؛ تَعَلَّمُونَ ← امر تَعَلَّمُوا

توضیح نکات درسی:

در صیغه‌های مثنی و جمع مذکر غایب و مخاطب باب «تَفَعَّل» فعل‌های ماضی و امر

از نظر شکل ظاهری به هم شبیه هستند.

۶۵-

(داود پیاوشی، معرفه و نکره، صفحه‌ی ۲۳ و ۲۷)

اسم علم اگر دارای تنوین باشد، نکره نمی‌شود، بلکه هم‌چنان معرفه (علم) است و

تنوین آن نشانه‌ی زینت می‌باشد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «غضبان» نکره است.

گزینه‌ی «۲»: «امرأة و فقيرة» نکره هستند.

گزینه‌ی «۴»: «طفلين و صغرين» نکره هستند.

۶۶-

(سنهش، معرفه و نکره، صفحه‌ی ۲۴ و ۲۵ کتاب درسی)

در این گزینه، «ما» به معنای «آنچه» و اسم موصول و معرفه است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

در گزینه‌های «۱» و «۳»، «ما» حرف نفی است که معرفه یا نکره بودن شامل آن

نمی‌شود و در گزینه‌ی «۴»، «ما» اسم استفهام و نکره است.



۶۷-

(فرشته صبرقی، جامد و مشق، صفحه‌ی ۳ و ۵)

«سَهَل» بر وزن «فَعْل» صفت مشبَّه است.

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینه‌ی «۲»: «مُقَاتِل» بر وزن «مُفَاعِل»، اسم فاعل از باب «مفاعلة» است.

گزینه‌ی «۳»: «فَرَحَان» بر وزن «فَعْلَان»، صفت مشبَّه است.

گزینه‌ی «۴»: «مَدَارِس» جمع «مَدْرَسَة»، اسم مکان است.

۶۸-

(کنکور سراسری ۸۲، جمله‌ی اسمیه، صفحه‌ی ۱۵ کتاب درسی)

«خَبِرٌ» مبتدا و مرفوع است و اسم موصول «مَنْ» خبر مفرد و محلاً مرفوع است و «يُسَاعِدُ» جمله‌ی فعلیه و صله‌ی موصول است.

۶۹-

(زهره نعمتی، معرفه و نکره، صفحه‌ی ۲۴)

برخی از اسم‌های معرفه، به خودی خود معرفه و شناخته‌شده هستند، مانند: اسم علم، ضمائر، اسم‌های اشاره و موصول‌ها. سایر معارف بر حسب موقعیت خود در عبارات، معرفه می‌شوند. در این گزینه، ضمیر متصل «ه» به خودی خود معرفه است.

۷۰-

(درویشعلی ابراهیمی، معرب و مبنی، صفحه‌ی ۱۳)

فعل «أُحِبُّ» فعل مضارع و صیغه‌ی متکلم وحده و کلمه‌ای معرب است. «محاصیل» نیز جمع «محصول» و جزو کلمات معرب است.

### عربی (۳)

۷۱-

(فائزه بعفری، ترجمه، ترکیبی)

«ان خرج»: اگر خارج گردد / «فهو یدخل فی القلب»: پس در قلب داخل می‌گردد / «إن یرجو من اللسان»: اگر از زبان خارج گردد / «لم یتجاوز الأذان»: از گوش‌ها فراتر نمی‌رود

۷۲-

(درویشعلی ابراهیمی، ترجمه، ترکیبی)

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینه‌ی «۱»: «ای تقدیر! هرگز نخواهی توانست که پشت مرا در جنگ با دشمنان بشکنی!»

گزینه‌ی «۲»: «سوده دختر عماره، معاویه را تهدید کرد و از سرانجام جسارتش نهراسید!»

گزینه‌ی «۴»: «کسی که به همراه آراسته شدنش به اخلاق نیک، دانش را طلب می‌کند، پس او انسان است!»

۷۳-

(صاسا حاج مؤمن، ترجمه، ترکیبی)

جمع شود: «اجتمعوا، اجتمعن»، با ... آشنا شوید: «تعرفوا به ...، تعرفن به ...»

۷۴-

(مریم آقاییاری، مفهوم، ترکیبی)

عبارت صورت سؤال می‌گوید: «علم آموزی کلید بزرگی است.» گزینه‌ی «۲» نیز می‌گوید: «آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند برابر هستند؟»

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینه‌ی «۱»: «درباره‌ی اهمیت «مشورت» است.

گزینه‌ی «۳»: «درباره‌ی اهمیت «اندیشیدن» است.

گزینه‌ی «۴»: «درباره‌ی اهمیت «یادآوری» است.

۷۵-

(صارق پاسله، تشکیل، ترکیبی)

حرکت گذاری صحیح کل عبارت این چنین است:

«من خصائص المجتمع الإسلامي أن الحكومة الإسلامية تستند إلى قوة الله.»

۷۶-

(صارق پاسله، تحلیل صرفی، ترکیبی)

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینه‌ی «۱»: «إيمان» معرفه به «أل» و مضاف‌إلیه است.

گزینه‌ی «۳»: «إيمان» منصرف، معرفه به «أل» و معرب است.

گزینه‌ی «۴»: «إيمان» مصدر (جامد) و معرفه به «أل» است و اسم جامد هم نمی‌تواند نعت (صفت) باشد.

۷۷-

(فارج از کشور ۹۱، مفعول فیه، صفحه‌ی ۲۰ کتاب درسی)

چون «یوم» متضمن معنای «فی» می‌باشد و فعلی در آن اتفاق افتاده است، لذا نقش مفعول فیه (ظرف زمان) دارد.

۷۸-

(امیر طریقی، نواسخ، صفحه‌ی ۱۶)

«هناک» خبر مقدم «کأن» و محلاً مرفوع است و «مجلات» اسم مؤخر آن است که از روی حرکت «مفیده» (صفت آن) پی می‌بریم که حرکت موصوفش نیز مرفوع و نادرست است، زیرا اسم «کأن» باید منصوب باشد؛ پس به صورت «مجلات مفیده» صحیح است.

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینه‌ی «۱»: «ما زالت» از افعال ناقصه، «الخیاتة» اسم آن و مرفوع و جمله‌ی فعلیه‌ای که با فعل «تضر» شروع می‌شود، خبر آن و محلاً منصوب است.

گزینه‌ی «۳»: «کونوا» از افعال ناقصه، ضمیر بارز «واو»، اسم آن و محلاً مرفوع و «صادقین» خبر مفرد آن و منصوب به اعراب فرعی «باء» است.

گزینه‌ی «۴»: «بدأت» از افعال مقاربه (فعل شروع)، «المعلمة» اسم آن و مرفوع و جمله‌ی فعلیه‌ای که با فعل مضارع «تَشَجَّعُ» شروع می‌شود، خبر آن و محلاً منصوب است.

۷۹-

(عمارالدرین صالحیان، ثلاثی مزید، صفحه‌ی ۲)

در این گزینه، فعل «أَتَكُونُ» فعل مضارع متکلم وحده از باب «تَفَعَّلَ» و دارای دو حرف زاید است: (ت) و تکرار عین‌الفعل

**توضیح نکته‌ی درسی:**

برای تشخیص تعداد حرف‌های زاید فعل‌های مزید، صیغه‌ی اول ماضی آن‌ها را در نظر می‌گیریم.

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینه‌ی «۱»: فعل «اسْتَضَعَفُوا» از باب «اسْتَفْعَلَ» است و سه حرف زاید دارد.

گزینه‌ی «۲»: فعل «سُافِرٌ» از باب «مَفَاعَلَةٌ» است و یک حرف زاید دارد.

گزینه‌ی «۴»: فعل «أَنْزَلَ» از باب «إِفْعَالَ» است و یک حرف زاید دارد.

۸۰-

(سیرمهمرد علی مرتضوی، معرفه و نکره، صفحه‌ی ۵ و ۶)

«من» در گزینه‌ی «۲»، اسم استفهام (پرسشی) و نکره است، درحالی که در سایر گزینه‌ها، اسم موصول و معرفه است.

عربی (۲)

۸۱-

(سیرمهمرد علی مرتضوی، ترجمه، ترکیبی)

«أعتقد»: اعتقاد دارم / «لا يرحم»: رحم نمی‌کند / «لا يشكره»: او را شکر نمی‌گزارد / «عند الرّخاء»: هنگام آسایش

۸۲-

(مسعود مهمردی، ترجمه، صفحه‌ی ۲۸)

هرگاه بعد از اسم اشاره، اسم بدون «أل» بیاید، اسم اشاره طبق صیغه‌ی خودش ترجمه می‌شود: «هؤلاء» (اینان)

**توضیح نکات درسی:**

- در ترجمه‌ی اسم‌های نکره معمولاً از «ی - یک» استفاده می‌کنیم.

- مشارالیه هرگاه دارای «أل» باشد، اسم اشاره‌ی آن به صورت مفرد ترجمه می‌شود.

**ترجمه‌ی صحیح گزینه‌های دیگر:**

گزینه‌ی «۲»: «این درخت بلند، بی‌میوه است.»

گزینه‌ی «۳»: «این دانش‌آموزان، قوی هستند.»

گزینه‌ی «۴»: «این درختی بلند و بدون میوه است.»

۸۳-

(فائزه معفری، مفهوم، ترکیبی)

ابیات همه‌ی گزینه‌ها، به‌جز بیت گزینه‌ی «۲»، با عبارت صورت سؤال مفهوم مشترک دارند.

۸۴-

(زهرا قلفانی، تعریب، ترکیبی)

شما: «أنتم، أنتن، أنتما» / زبان عربی: «اللغة العربية» / یاد می‌گیرید: «تَتَعَلَّمُونَ، تَتَعَلَّمْنَ، تَتَعَلَّمَانِ» / زیرا آن: «لأنها» / زبان قرآن: «لغة القرآن»

**توضیح نکات درسی:**

مصدر «تَعَلَّمَ» به معنای «یاد گرفتن» و مصدر «تعلیم» به معنای «یاد دادن» است.

۸۵-

(سنبلش ۸۳ با تغییر، تعریب، ترکیبی)

«نعمت‌ها» جمع است و این حالت (النعم) فقط در گزینه‌ی «۳» آمده است.

۸۶-

(ابوالفضل تابیگ، تشکیل، ترکیبی)

حرکت‌گذاری درست همه‌ی عبارت چنین است: «تَرْجِعُ شُهْرَتَهُ إِلَى عَمَلِهِ فِي الرِّيَاضِيَّاتِ حَيْثُ حُلَّ الْمَعَادِلَاتِ مِنَ الدَّرَجَةِ الثَّانِيَةِ بِطَرُقٍ هِنْدَسِيَّةٍ.»

۸۷-

(مریم آقاییاری، تحلیل صرفی، ترکیبی)

«عَجِبَ»: فعل ماضی، للغائب، ثلاثی مزید از باب «تَفَعَّلَ» با دو حرف زائد، مبنی و لازم است و از نظر اعراب نیز، فعل و فاعلش اسم ظاهر «صديق» و جمله‌ی فعلیه است.

۸۸-

(مریم آقاییاری، انواع جمله و جامد و مشتق، صفحه‌ی ۳ و ۱۴)

در این عبارت، فاعل «الْعُلَمَاءُ» (جمع «علیم») و مشتق است.

در سایر گزینه‌ها به‌ترتیب کلمات «وقد»، ضمیر «نا» و «الله» فاعل هستند که هیچ کدام مشتق نمی‌باشند.

۸۹-

(ابوالفضل تابیگ، معرفه و نکره، صفحه‌ی ۲۳ تا ۲۵)

در این عبارت ۶ اسم معرفه وجود دارد: «تلك - آيات - الله - ها - ك - الحق»

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینه‌ی «۱»: «بهبول - إختبار - الرّجل - مقدار - إخلاص - ه - العمل» ۷ اسم معرفه وجود دارد.

گزینه‌ی «۳»: «النّاس - ه - تهنئة - ه - عمل - ه - الحسن» ۷ اسم معرفه وجود دارد.

گزینه‌ی «۴»: «الرّوأة - المسلمة - هي - التي - رسالة - ها - المجتمع» ۷ اسم معرفه وجود دارد.

۹۰-

(کنکور سراسری ۹۰، معرب و مبنی، صفحه‌ی ۱۳ کتاب درسی)

دو فعل مضارع صیغه‌های ۶ و ۱۲ مبنی‌اند. فعل گزینه‌ی «۲» (يتعاون = يتعاونن) صیغه‌ی ششم فعل مضارع و مبنی است.

معنای کلماتی از متن:

quickly: به سرعت	scared: ترسیده
step out: بیرون پریدن	frighten: ترساندن
shout: فریاد زدن	

۹۷- (علیرضا یوسف‌زاده)

- ۱) پارک کردن      ۲) سعی کردن      ۳) فشار دادن      ۴) نگاه کردن  
(کلوز تست)

۹۸- (علیرضا یوسف‌زاده)

- ۱) فراموش کردن      ۲) چرخیدن  
۳) بردن      ۴) پرسیدن، درخواست کردن  
(کلوز تست)

۹۹- (علیرضا یوسف‌زاده)

- ۱) بدرستی      ۲) به‌طور موفقیت‌آمیز، باموفقیت  
۳) ناگهان، به‌طور ناگهانی      ۴) از نظر اجتماعی  
(کلوز تست)

۱۰۰- (علیرضا یوسف‌زاده)

- ۱) عصبانی      ۲) گرسنه      ۳) تشنه      ۴) بیدار  
(کلوز تست)

### زبان انگلیسی (۳)

۱۰۱- (میرحسین زاهدی)

ترجمه‌ی جمله: «آیا پدر شما در تعمیر مدرسه‌ی قدیمی می‌تواند به ما کمک کند؟»

«من این‌طور فکر نمی‌کنم. البته، اگر ثروتمند بود، می‌توانست به شما کمک کند.»

توضیح نکات درسی:

این تست در مورد جملات شرطی نوع دوم است. در شرطی نوع دوم، نتیجه‌ی شرط در حال و آینده غیرممکن است و بنابراین از فرمول زیر برای بیان این‌نوع شرطی استفاده می‌کنند.

(فعل ساده + would) + فاعل , (فعل گذشته‌ی ساده) + فاعل + if

نکته‌ی ۱: به جای "would" می‌توان از افعال کمکی "could, might" استفاده کرد.

If I had money, I could buy that car.

نکته‌ی ۲: در این نوع شرطی به جای "was" از "were" برای همه‌ی فاعل‌ها استفاده

می‌کنند، گزینه‌ی «۲» از این نظر غلط است. البته در مکالمه "was" به‌کار می‌رود،

ولی در تست به‌کار نمی‌رود چون تست‌ها براساس انگلیسی رسمی و نوشتاری نوشته

می‌شوند. و از طرفی "were" بیش‌تر به‌خاطر این است که موضوع بیان شده در

جمله‌ی شرط از واقعیت خیلی دور است. (گرامر)

۱۰۲- (رضا کیاسالار)

ترجمه‌ی جمله: «به محض این‌که وارد شد، متوجه شدم که قبلاً او را جایی دیده بودم.»

تذکره: عمل دیدن قبل از متوجه شدن اتفاق افتاده است، پس با ماضی بعید بیان می‌شود.

(گرامر)

### زبان انگلیسی (۲)

۹۱-

(تسرین قلفی)

ترجمه‌ی جمله: «معلم به دانش‌آموزان اجازه داد که در کلاس شطرنج بازی کنند.

این‌طور نیست؟»

توضیح نکات درسی:

فعل "let" به‌معنی «اجازه دادن» دارای سه قسمت فعلی یک‌سان است، در صورتی‌که

این فعل با فاعل سوم شخص مفرد به‌کار رود و "s" نگیرد، نتیجه می‌گیریم که زمان

جمله گذشته‌ی ساده است، بنابراین از فعل کمکی "didn't" در سؤال ضمیمه‌ی

کوتاه استفاده می‌کنیم. توجه کنید در صورتی‌که جمله‌ی اصلی مثبت باشد، سؤال

ضمیمه‌ی کوتاه به‌صورت منفی به‌کار می‌رود و بالعکس.

(گرامر)

۹۲-

(شهرام کریم‌زاده)

ترجمه‌ی جمله: «الف: آخرین بار مادرتان کی برای شما (نامه) نوشت؟»

«ب: از تابستان گذشته (تا به حال) برایم (نامه) ننوشته است.»

توضیح نکات درسی:

با توجه به مفهوم جمله از زمان حال کامل "have / has + p.p." استفاده می‌کنیم.

(دلیل نادرستی گزینه‌های «۱ و ۳»). از "since" برای بیان «مبدأ زمان» و از "for"

برای بیان «طول زمان» به همراه حال کامل استفاده می‌کنیم. در این سؤال با توجه به

قید "last summer" که مبدأ زمان است از "since" استفاده می‌کنیم.

(گرامر)

۹۳-

(عبدالرشید شفیعی)

ترجمه‌ی جمله: «بر این باورم، برای همه‌ی دانشجویان ضروری است که یاد بگیرند

چگونه از کامپیوترها استفاده کنند.»

- ۱) لازم، ضروری      ۲) صادق      ۳) ملی      ۴) نهایی

(واژگان)

۹۴-

(عبدالرشید شفیعی)

ترجمه‌ی جمله: «در شهرهای بزرگ مانند لندن، مأموران پلیس به‌خاطر آلودگی

وحشتناک هوا ماسک‌های اکسیژن می‌زنند.»

- ۱) منتظر بودن      ۲) خاموش کردن

- ۳) پوشیدن      ۴) جست‌وجو کردن

(واژگان)

۹۵-

(پرواز مؤمنی)

ترجمه‌ی جمله: «بچه‌ها به‌راحتی در تخت خوابشان در خواب هستند. خوش‌به

حالتشان.»

- ۱) به‌راحتی      ۲) به صورت مهم

- ۳) به‌طور خاص      ۴) باعصبانیت

(واژگان)

۹۶-

(تسرین قلفی)

ترجمه‌ی جمله: «آقای براون می‌خواست خانه‌ی را بخرد. او درباره‌ی آن ساعت‌ها

صحبت کرد. سرانجام، وی تصمیم گرفت آن را بخرد.»

- ۱) به‌طور بلند (صدا)      ۲) باشادی، باخوشحالی

- ۳) بامهربانی      ۴) سرانجام

(واژگان)



۱۰۳-

(شواہب اناری)

ترجمه‌ی جمله: «وقتی از کامپیوتر استفاده نکنید، خودبه‌خود خاموش می‌شود.»  
تکته: ضمیر انعکاسی "itself" (خودش) با کامپیوتر مطابقت می‌کند.

(گرامر)

۱۰۴-

(پوار مؤمنی)

ترجمه‌ی جمله: «با نمرات وحشتناک او، انتظار کمی وجود دارد که او به مدرسه‌ی پزشکی راه یابد.»

(۱) جمعیت (۲) انتظار (۳) توصیف (۴) مهاجرت  
(واژگان)

۱۰۵-

(شواہب اناری)

ترجمه‌ی جمله: «به این دلیل که ما جاده را نمی‌شناختیم تدریجاً رد اثرهایی که ماشین‌ها روی زمین گذاشته بودند را دنبال کردیم.»

(۱) رد اثر، مسیر (۲) گردش دسته جمعی  
(۳) پیشنهاد (۴) دیوار  
(واژگان)

۱۰۶-

(پوار مؤمنی)

ترجمه‌ی جمله: «اگر چیزی بدون سایه‌ی هرگونه شکی درست باشد، می‌توانیم بگوییم آن قطعاً صحیح است.»

(۱) به طرز وحشتناک (۲) ناگهانی  
(۳) قطعاً (۴) از نظر اجتماعی  
(واژگان)

۱۰۷-

(شواہب اناری)

ترجمه‌ی جمله: «طبق متن، کدام جمله درباره‌ی نیوتن صحیح است؟»  
«او به اسباب‌بازی‌های مکانیکی و بادبادک‌ها علاقه‌مند بود.»

(درک مطلب)

۱۰۸-

(شواہب اناری)

ترجمه‌ی جمله: «مادر نیوتن او را به کالج فرستاد، چون وی تشخیص داد او هرگز یک کشاورز نخواهد شد.»

(درک مطلب)

۱۰۹-

(شواہب اناری)

ترجمه‌ی جمله: «وقتی سببی افتاد و به نیوتن برخورد کرد، او احتمالاً چه کار کرد؟»  
«او درباره‌ی جاذبه فکر کرد.»

(درک مطلب)

۱۱۰-

(شواہب اناری)

ترجمه‌ی جمله: «بهترین عنوان برای متن، «کودکی نیوتن» خواهد بود.»

(درک مطلب)

زبان انگلیسی (۲)

۱۱۱-

(شهرام کریم زاره)

ترجمه‌ی جمله: «این جاده دو ماه پیش تعمیر شد، بنابراین لازم نیست دوباره آن تعمیر شود.»

توضیح نکات درسی:

فعل "repair" به معنی «تعمیر کردن» متعدی است و نیاز به مفعول دارد و چون بعد از آن در جمله مفعول نداریم، بنابراین وجه جمله مجهول است. (دلیل نادرستی گزینه‌ی «۱» که معلوم است) با توجه به قید زمان گذشته، جمله گذشته‌ی مجهول است. (دلیل نادرستی گزینه‌های «۲» و «۳» که مربوط به زمان حال هستند.)

(گرامر)

۱۱۲-

(پورام دستگیری)

ترجمه‌ی جمله: «چین شب گذشته نان را به آرامی در آشپزخانه برید.»  
توضیح نکات درسی:

ترتیب صحیح ساختار جمله به شکل زیر است:

«قید زمان + قید مکان + قید حالت + مفعول + فعل + فاعل»

(گرامر)

۱۱۳-

(پوار مؤمنی)

ترجمه‌ی جمله: «من از معلمم خواستم که مسئله را به روش معقول تری حل کند.»

(۱) اتفاق افتادن (۲) حرکت کردن

(۳) فراموش کردن (۴) حل کردن  
(واژگان)

۱۱۴-

(پوار مؤمنی)

ترجمه‌ی جمله: «همانطور که می‌دانید، من تمام آن کار را فقط به‌خاطر سرگرمی‌اش انجام ندادم. من آن را به اندازه‌ی کافی جدی گرفتم.»

(۱) سرگرمی، تفریح (۲) آدرس، نشانی

(۳) جا، مکان (۴) دقیقه  
(واژگان)

۱۱۵-

(عبدالرشید شفیعی)

ترجمه‌ی جمله: «اغلب افراد با معلولیت جسمی ممکن است صاحب یک صندلی چرخدار باشند.»

(۱) انجام دادن (۲) صاحب بودن، مالک بودن

(۳) خراب کردن، نابود کردن (۴) خوابیدن  
(واژگان)

۱۱۶-

(عبدالرشید شفیعی)

ترجمه‌ی جمله: «همه‌ی دانشمندان باید برای اندازه‌گیری فواصل در فضا از زمان استفاده کنند. آن یک قاعده‌ی طبیعی به نظر می‌رسد.»

(۱) فاصله (۲) عقیده (۳) بازار (۴) اشتباه

(واژگان)

۱۱۷-

(میرحسین زاهدی)

ترجمه‌ی جمله: «بسیاری از حیوانات پنجه‌های دست‌مانند ندارند.»

(درک مطلب)

۱۱۸-

(میرحسین زاهدی)

ترجمه‌ی جمله: «یک میمون با فشار دادن انگشت شست خود به انگشت سبابه‌اش می‌تواند اشیای کوچک را بردارد.»

(درک مطلب)

۱۱۹-

(میرحسین زاهدی)

ترجمه‌ی جمله: «شکارچیان، برنج را داخل تله‌ی نارگیل می‌ریزند، زیرا میمون‌ها در بیرون آوردن برنج از آن مشکل دارند.»

(درک مطلب)

۱۲۰-

(میرحسین زاهدی)

ترجمه‌ی جمله: «موفقیت یا شکست یک تله‌ی نارگیل به این بستگی دارد که آیا میمون برنج را رها خواهد کرد (یا خیر).»

(درک مطلب)



اقتصاد

۱۲۱-

مبحث سوالات: مقدمات

(سارا شریفی، صفحه‌ی ۲۳ تا ۲۶)

$$\text{تولید ناخالص داخلی} = \frac{\text{تولید ناخالص داخلی سرانه}}{\text{جمعیت کشور}}$$

$$\Rightarrow ۸۶ = \frac{\text{تولید ناخالص داخلی}}{۳۰,۰۰۰,۰۰۰}$$

$$\Rightarrow \text{میلیون ریال } ۲,۵۸۰ = \text{ریال } ۲,۵۸۰,۰۰۰,۰۰۰ = \text{تولید ناخالص داخلی}$$

هزینه‌ی استهلاک - تولید ناخالص ملی = تولید خالص ملی

$$\text{میلیون ریال } ۲,۰۳۰ = \text{تولید ناخالص ملی} \Rightarrow ۲۵۰ - \text{تولید ناخالص ملی} = ۱,۷۸۰$$

تولید خارجیان مقیم کشور - تولید ناخالص داخلی = تولید ناخالص ملی

تولید افراد کشور که در خارج ساکن هستند +

$$\text{تولید افراد کشور که در خارج ساکن هستند} + ۲,۰۳۰ = ۲,۵۸۰ - ۶۰۰$$

$$\Rightarrow \text{میلیون ریال } ۵۰ = \text{تولید افراد کشور که در خارج ساکن هستند}$$

هزینه‌ی استهلاک - تولید ناخالص داخلی = تولید خالص داخلی

$$\text{میلیون ریال } ۲,۳۳۰ = ۲,۵۸۰ - ۲۵۰ = \text{تولید خالص داخلی}$$

$$\text{تولید خالص داخلی} = \frac{\text{تولید خالص داخلی سرانه}}{\text{جمعیت کشور}}$$

$$\text{ریال } ۷۷ / ۶۶ = \frac{۲۳۳۰}{۳۰} = \text{تولید خالص داخلی سرانه}$$

۱۲۲-

(علی نوری، صفحه‌ی ۳۱ و ۳۲)

$$\text{ریال } ۱۰۹۰۰ = (۷۰ \times ۷۰) + (۴۰ \times ۱۵۰) = \text{تولید کل به قیمت جاری در سال } ۱۳۹۴$$

$$\text{ریال } ۷۵۰۰ = (۷۰ \times ۵۰) + (۴۰ \times ۱۰۰) = \text{تولید کل به قیمت ثابت در سال } ۱۳۹۴$$

$$\text{ریال } ۶۶۰۰ = (۵۰ \times ۶۰) + (۳۰ \times ۱۲۰) = \text{تولید کل در سال } ۱۳۹۳ \text{ به قیمت جاری}$$

$$\text{ریال } ۵۵۰۰ = (۵۰ \times ۵۰) + (۳۰ \times ۱۰۰) = \text{تولید کل در سال } ۱۳۹۳ \text{ به قیمت ثابت}$$

سال	۹۴	سال ۹۳	سال ۹۲
تولید به قیمت جاری	۱۰۹۰۰	۶۶۰۰	۴۰۰۰
تولید به قیمت ثابت	۷۵۰۰	۵۵۰۰	۴۰۰۰

$$\text{ریال } ۱۱۰۰ = ۶۶۰۰ - ۵۵۰۰ = \text{افزایش تولید کل ناشی از افزایش قیمت در سال } ۱۳۹۳$$

$$\text{ریال } ۳۵۰۰ = ۴۰۰۰ - ۵۵۰۰ = \text{افزایش تولید کل ناشی از افزایش تولید در سال } ۱۳۹۴$$

$$\text{ریال } ۷۵۰۰ - ۴۰۰۰ = ۳۵۰۰$$

۱۲۳-

(موشیرسارات قریشی، صفحه‌ی ۲۷ تا ۲۹)

الف) خانوارها اشخاص حقیقی و بنگاه‌های اقتصادی، اشخاص حقوقی محسوب می‌شوند.

ب) در روش هزینه‌ای، کل پولی که از طرف خانوارها به سمت بنگاه‌ها جریان پیدا می‌کند، محاسبه می‌شود. از آن‌جا که این مقدار پول، نشان‌دهنده‌ی ارزش کل کالاها و خدماتی است که خانوارها خریداری و مصرف کرده‌اند، بنابراین اگر هزینه‌های مصرفی تمام خانوارها را با هم جمع کنیم تولید کل جامعه به دست می‌آید (مسیر شماره ۴). در روش درآمدی کل پولی که از طرف بنگاه‌ها به سمت خانوارها جریان می‌یابد، محاسبه می‌شود. از آن‌جا که این مقدار پول، نشان‌دهنده‌ی ارزش پولی کلیه‌ی عوامل تولیدی است که در جریان تولید به کار گرفته می‌شوند و ایجاد درآمد می‌کنند بنابراین اگر درآمد تمامی خانوارها را در سطح جامعه باهم جمع کنیم، تولید کل به دست می‌آید.

(مسیر شماره ۲)

۱۲۴-

(موشیرسارات قریشی، صفحه‌ی ۲۵)

تولید ناخالص ملی عبارت است از ارزش پولی کلیه‌ی کالاها و خدمات نهایی که اعضای یک ملت در طول یک سال تولید کرده‌اند.

بدین ترتیب گزینه‌های «۲ و ۳» به این علت که خارجیان جزئی از اعضای یک ملت محسوب نمی‌شوند، نادرست است. بنابراین خدمات و بهره‌ی سرمایه‌ی آن‌ها در محاسبه‌ی تولید ملی محسوب نمی‌گردد. گزینه‌ی «۱» نیز به این علت نادرست است که خودروی خریداری شده مستعمل و دست دوم است و کالای ساخت سال جاری محسوب نمی‌گردد، بنابراین در محاسبه‌ی تولید ملی به حساب نمی‌آید.

۱۲۵-

(مهری کردان، صفحه‌ی ۱۷)

هزینه‌ی فرصت یا هزینه‌ی فرصت از دست رفته، بیانگر آن چیزی است که از آن صرف‌نظر کرده و به‌عبارتی، آن را از دست داده‌ایم. در این پرسش، با تصمیم گرفتن به خرید موتورسیکلت برای فرد اول و خرید ویلا برای فرد دوم به‌ترتیب از خرید یک دستگاه تراشکاری و واحد تجاری صرف‌نظر شده است و بنابراین هزینه‌ی فرصت محسوب می‌گردد.

۱۲۶-

(علی نوری، صفحه‌ی ۲۹ و ۳۰)

الف) ارزش محصول در آن مرحله = ارزش افزوده‌ی محصول در هر مرحله ارزش محصول در مرحله‌ی قبل -

قیمت آرد - قیمت نان = ارزش افزوده‌ی مرحله‌ی آخر

$$\text{ریال } ۳,۰۰۰ = ۱۵,۰۰۰ - ۱۸,۰۰۰ = \text{ارزش افزوده‌ی مرحله‌ی آخر}$$

$$\text{ریال } ۱۰,۰۰۰ = \text{قیمت هر کیلوگرم گندم} = \text{ارزش افزوده‌ی مرحله‌ی اول}$$

ب) نام دیگر این روش برای محاسبه‌ی تولید کل جامعه، «روش تولید» یا «روش ارزش افزوده» است.

ت) اگر تولید کل جامعه را از طریق هریک از سه روش (هزینه‌ای، درآمدی، تولید (ارزش افزوده)) محاسبه کنیم، به جواب‌های یکسانی می‌رسیم؛ از این رو، برای جلوگیری از اشتباه، حداقل دو روش را برای محاسبه به کار می‌گیرند و جواب‌ها را مقایسه می‌کنند.

۱۲۷-

(سارا شریفی، صفحه‌ی ۲۶)

درآمد سرانه‌ی بالاتر بیانگر میزان رفاه بیشتر است، که در کشور A میزان درآمد

سرانه بیش از کشورهای دیگر است.  $\frac{\text{درآمد ملی}}{\text{جمعیت}} = \text{درآمد سرانه}$

کشور	درآمد ملی (به میلیارد ریال)	جمعیت (به میلیون نفر)	درآمد سرانه (به ریال)
A	۵۵۰۰	۵۵	۱۰۰,۰۰۰
B	۵۴۰۰	۶۰	۹۰,۰۰۰
C	۵۶۰۰	۷۰	۸۰,۰۰۰
D	۶۴۰۰	۸۰	۸۰,۰۰۰



۱۲۸-

(تسیرین جعفری، صفحه‌ی ۲۴ تا ۲۶)

واحد پولی  $2,000,000 = 20 \times 100,000 =$  ارزش مواد غذایی  
 واحد پولی  $75,000,000 = 250 \times 300,000 =$  ارزش ماشین آلات  
 واحد پولی  $25,000,000 = \frac{1}{30} \times 750,000,000 =$  هزینه‌ی استهلاک  
 هزینه‌ی استهلاک - تولید ناخالص داخلی = تولید خالص داخلی  
 هزینه‌ی استهلاک + تولید خالص داخلی = تولید ناخالص داخلی  $\Rightarrow$   
 $776,000,000 = 751,000,000 + 25,000,000 =$  تولید ناخالص داخلی  
 میلیون واحد پولی  $776 =$   
 $x =$  ارزش خدمات  
 $\frac{1}{5}x =$  ارزش پوشاک  
 ارزش خدمات + ارزش ماشین آلات + ارزش پوشاک + ارزش مواد غذایی = تولید ناخالص داخلی  
 $776,000,000 = x + \frac{1}{5}x + 2,000,000 + 75,000,000 \Rightarrow$   
 $\frac{6}{5}x = 24,000,000 \Rightarrow x = 20,000,000 =$  واحد پولی  $20 =$  میلیون واحد پولی  
 ارزش پوشاک =

واحد پولی  $4,000,000 = \frac{1}{5} \times 20,000,000 =$   
 میلیون واحد پولی  $4 =$

واحد پولی  $97 = \frac{776,000,000}{8,000,000} = \frac{\text{تولید ناخالص داخلی}}{\text{جمعیت}}$  تولید ناخالص داخلی سرانه

۱۲۹-

(سارا شریفی، صفحه‌های ۴، ۱۰، ۲۰ و ۲۳)

الف) منابع و امکانات قابلیت‌های مصرف متعددی دارند، به عنوان مثال «بخشی از نیروی کار موجود در یک جامعه، هم می‌تواند در فعالیت‌های تولیدی شرکت کند و هم به شکل نیروی نظامی در خدمت تأمین امنیت کشور باشد». بنابراین بیش تر منابعی که در دسترس انسان قرار دارد، منحصراً برای رفع یک نیاز معین به کار نمی‌رود بلکه برای برآوردن نیازهای دیگر نیز از آن‌ها استفاده می‌شود.

ب) هدف علم اقتصاد، راهنمایی انسان برای انجام بهترین انتخاب و به‌کارگیری بهترین روش جهت استفاده از منابع و امکانات خویش است.

ج) «افزایش مقدار تولید کالاها و خدمات» در جامعه از علائم موفقیت دولت در عرصه‌ی اقتصاد است.  
 د) اگر تولید کل جامعه را بدون توجه به مقدار هزینه‌های جای‌گزینی محاسبه کنیم، آن را «تولید ناخالص» می‌نامیم.

۱۳۰-

(سارا شریفی، صفحه‌ی ۲۶)

درآمد ملی دربرگیرنده‌ی مجموع درآمدهایی است که در طول یک سال نصیب اعضای جامعه می‌شود. این درآمدها عبارت‌اند از: درآمد حقوق‌بگیران (دستمزدها)، درآمد صاحبان سرمایه (قیمت خدمات سرمایه)، درآمد صاحبان املاک و مستغلات (اجاره)، درآمد صاحبان مشاغل آزاد و سودی که نصیب شرکت‌ها و مؤسسه‌ها می‌شود.  
 بنابراین ردیف ۲ (درآمد صاحبان سرمایه) همان قیمت خدمات سرمایه است و ردیف ۵ (درآمد صاحبان املاک و مستغلات) همان اجاره‌بها یا وجوه مربوط به اجاره است.

(مجموع درآمد ردیف‌های ۱ و ۶)  $\frac{1}{3} \times$  درآمد صاحبان سرمایه

میلیارد ریال  $450 = \frac{1}{3} \times (500 + 850) =$

(مجموع درآمد ردیف‌های ۴ و ۶)  $\frac{1}{5} \times$  درآمد صاحبان املاک و مستغلات

میلیارد ریال  $298 = \frac{1}{5} \times (640 + 850) =$

(درآمد صاحبان سرمایه)  $\frac{2}{3} \times$  سود شرکت‌ها و مؤسسات

میلیارد ریال  $300 = \frac{2}{3} \times 450 =$

میلیارد ریال  $2028 = 500 + 450 + 300 + 640 + 298 + 850 =$  درآمد ملی

با تقسیم درآمد ملی به جمعیت کشور، درآمد سرانه به دست می‌آید.

ریال  $60,760 = \frac{2,028,000}{50} = \frac{\text{درآمد ملی}}{\text{جمعیت کشور}}$  درآمد سرانه

مفهوم و معنای سرانه عبارت از سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید یا درآمد آن جامعه است.

### ریاضی سال سوم

#### مبحث سوالات تابع

(همیدرزین کفش، صفحه‌ی ۱ تا ۷)

۱۳۱-

در تابع  $y = \sqrt{1-x^2}$ ،  $x$  متغیر مستقل و مجموعه مقادیر  $x$  که می‌تواند اختیار کند، دامنه‌ی تابع است و  $y$  متغیر وابسته و مجموعه مقادیر  $y$  که می‌تواند داشته باشد، برد تابع است.

۱۳۲-

(فخرار تراز، صفحه‌ی ۶ تا ۱۰)

در توابع کسری، مخرج کسر باید مخالف صفر باشد.

$$yx - 1 = 0 \Rightarrow x = \frac{1}{y}$$

$$D_f = R - \left\{ \frac{1}{y} \right\}$$

۱۳۳-

(فخرار تراز، صفحه‌ی ۶ تا ۱۰)

دقت کنید برای تعیین دامنه‌ی توابع رادیکالی با فرجه‌ی فرد، رادیکال را نادیده می‌گیریم. چون تابع زیر رادیکال یک چند جمله‌ای درجه‌ی ۳ می‌باشد و دلیلی برای محدود کردن  $x$  در این تابع وجود ندارد، پس دامنه‌ی تابع تمام اعداد حقیقی می‌باشد.

$$y = \sqrt[3]{3x^3 - 4} \Rightarrow D_y = R$$

۱۳۴-

(مدیا اصغری، صفحه‌ی ۶ تا ۱۰)

$$\begin{aligned} -4 < x < 7 &\Rightarrow -21 < -3x < 12 \\ \Rightarrow -21 + 6 < -3x + 6 < 12 + 6 &\Rightarrow -15 < y < 18 \end{aligned}$$

۱۳۵-

(مدیا اصغری، صفحه‌ی ۱۱ تا ۱۳)

تعداد روزها را با  $t$  نمایش می‌دهیم، پس تعداد صفحاتی که علی در  $t$  روز می‌خواند برابر است با:

$$n = 4t$$

و تعداد صفحاتی که مرتضی می‌خواند و چون ۳ روز دیرتر از علی شروع کرده است، برابر است با:

$$n' = 8(t - 3)$$

حال برای اینکه هر دو تعداد صفحات یکسانی خوانده باشند، داریم:

$$n = n' \Rightarrow 4t = 8(t - 3) \Rightarrow 4t = 8t - 24$$

$$\Rightarrow 4t = 24 \Rightarrow t = 6$$

$$n = 4 \times 6 = 24$$

بعد از ۶ روز هر یک از آن‌ها به مقدار یکسان ۲۴ صفحه خوانده‌اند.

۱۳۶-

(ایمان پینی فروشان، صفحه‌ی ۶ تا ۱۰)

برای اینکه دامنه‌ی تابع، تمام اعداد حقیقی باشد، داریم:

$$f(x) = \frac{1}{-x^2 + a^2 - 1} \Rightarrow -x^2 + a^2 - 1 = 0$$

$$\Rightarrow x^2 = a^2 - 1$$

برای اینکه مخرج ریشه نداشته باشد، می‌بایست  $a^2 - 1 < 0$  باشد، پس داریم:

$$a^2 - 1 < 0 \Rightarrow a^2 < 1 \Rightarrow -1 < a < 1 \Rightarrow a \text{ حدود } = (-1, 1)$$

۱۳۷-

(سمیر زترین کفش، صفحه‌ی ۶ تا ۱۰)

برای اینکه مستطیل وجود داشته باشد باید طول اضلاع آن مثبت باشد، پس داریم:

$$\begin{aligned} \Rightarrow \begin{cases} 3 + x > 0 \Rightarrow x > -3 \\ 2 - x > 0 \Rightarrow x < 2 \end{cases} &\Rightarrow -3 < x < 2 \end{aligned}$$

پس حدود  $x$  بازه‌ی  $(-3, 2)$  می‌باشد.

۱۳۸-

(سیرمهر علی مرتضوی، صفحه‌ی ۴ تا ۱۰)

برای اینکه رابطه، تابع باشد باید دو زوج مرتب  $(m, n-1)$ ،  $(m, 2n)$  که مؤلفه‌ی اول یکسان دارند نیز مؤلفه‌ی دوم یکسان نیز داشته باشند، پس داریم:

$$n - 1 = 2n \Rightarrow n = -1$$

حال به ازای  $n = -1$  چون دو زوج مرتب  $(n-1, m+n)$ ،  $(n-1, -1)$  دارای مؤلفه‌ی اول یکسان می‌باشند پس باید مؤلفه‌ی دوم یکسان نیز داشته باشند:

$$n = -1 \Rightarrow m - 1 = -1 \Rightarrow m = 0$$

حال به جای  $m$  و  $n$  جایگذاری می‌کنیم:

$$f = \{(0, -2), (-2, -1), (-2, -1), (0, -2), (0, -2)\}$$

که اگر زوج مرتب‌های تکراری را در نظر نگیریم به فرم زیر در می‌آید:

$$f = \{(0, -2), (-2, -1)\}$$

۱۳۹-

(امیر حسین ابومحبوب، صفحه‌ی ۶ تا ۱۰)

دامنه‌ی توابع داده شده به ترتیب عبارت‌اند از:  $D_g = R - \{-3\}$ ،  $D_f = R - \{3\}$ ،

$D_h = R - \{\frac{1}{3}\}$  و  $D_k = R - \{-\frac{1}{3}\}$ . واضح است که دامنه‌ی تعریف تابع  $f$ ،

فاقد عدد ۳ است و بنابراین شامل تمام مجموعه‌ی اعداد طبیعی نیست اما دامنه‌ی سایر توابع، تمامی اعداد طبیعی را شامل می‌شوند.

۱۴۰-

(امیر حسین ابومحبوب، صفحه‌ی ۶ تا ۱۰)

$$f(x) = \frac{1}{\sqrt{x^2 - 1}} \Rightarrow \begin{cases} x^2 - 1 > 0 \Rightarrow x^2 > 1 \Rightarrow x > 1 \text{ یا } x < -1 \\ x^2 - 4 = 0 \Rightarrow x^2 = 4 \Rightarrow x = \pm 2 \end{cases}$$

پس دامنه‌ی تابع برابر است با:

$$(-\infty, -1) \cup (1, +\infty) - \{-2, +2\}$$

### آمار و مدل‌سازی

۱۴۱-

(معصومه گرابی، اندازه‌گیری و مدل‌سازی، صفحه‌ی ۳ تا ۹)

هیچ‌گاه دقت وسایل اندازه‌گیری به آن اندازه‌ی نخواهد رسید که خطای اندازه‌گیری را صفر کند.

۱۴۲-

(امیر زرتوز، اندازه‌گیری و مدل‌سازی، صفحه‌ی ۹ تا ۱۳)

خطای اندازه‌گیری همان قدر مطلق تفاضل مقدار واقعی و مقدار اندازه‌گیری شده است، پس:

$$|25 / 81 - x| = 0 / 35 \Rightarrow \begin{cases} x_1 = 26 / 16 \text{ کیلوگرم} \\ x_2 = 25 / 46 \text{ کیلوگرم} \end{cases}$$

۱۴۳-

(ایمان پینی فروشان، اندازه‌گیری و مدل‌سازی، صفحه‌ی ۸)

هر چه قدر مفاهیم ریاضی به کار برده شده در مدل‌سازی، ساده‌تر، ابتدایی‌تر و نتیجه‌ی کار به پدیده‌ی مورد نظر نزدیک‌تر باشد، مدل‌سازی ریاضی با ارزش‌تر است.

۱۴۴-

(هاری پلار، اندازه‌گیری و مدل‌سازی، صفحه‌ی ۹ تا ۱۳)

دقت کنید که شکل مورد نظر برابر  $\frac{1}{8}$  دایره است، پس داریم:

$$\text{مدل شعاع } R = 4 / 4 + E$$

$$\text{محیط شکل} = 2R + \frac{2\pi R}{8} = 2R + \frac{\pi R}{4} = (2 + \frac{\pi}{4})R = \frac{11}{4}R$$

$$\text{محیط شکل} = \frac{11}{4}(4 / 4 + E) = 12 / 1 + 2 / 75E$$

۱۴۵-

(علی غلامی، جامعه و نمونه، صفحه‌ی ۲۴)

همه‌ی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی «۴» جزء تعاریف و یا خصوصیات نمونه‌ی تصادفی هستند.

۱۴۶-

(داریوش عابد، اندازه‌گیری و مدل‌سازی، صفحه‌ی ۹ تا ۱۳)

خطای اندازه‌گیری هیچ‌گاه صفر نمی‌شود و قدر مطلق آن از واحد اندازه‌گیری کمتر است. در این‌جا واحد اندازه‌گیری نیم کیلوگرم در نظر گرفته شده است.

۱۴۷-

(هاری پلاور، جامعه و نمونه، صفحه‌ی ۲۰)

عمل نمونه‌گیری مهم‌ترین بخش آمار را تشکیل می‌دهد.

۱۴۸-

(علی‌رضا قربانی، جامعه و نمونه، صفحه‌ی ۲۴ تا ۲۶)

اگر هر یک از گزینه‌ها را در ۱۰۰ ضرب کنیم و پس از حذف قسمت اعشاری، به جواب حاصل یک واحد اضافه کنیم، مشاهده می‌شود که گزینه‌ی «۱» جواب صحیح است.

$$0/495 \times 100 = 49/5 \Rightarrow 49 + 1 = 50$$

تشریح گزینه‌های دیگر:

$$0/479 \times 100 = 47/9 \Rightarrow 47 + 1 = 48$$

$$0/512 \times 100 = 51/2 \Rightarrow 51 + 1 = 52$$

$$0/561 \times 100 = 56/1 \Rightarrow 56 + 1 = 57$$

گزینه‌ی «۲»:

گزینه‌ی «۳»:

گزینه‌ی «۴»:

۱۴۹-

(معصومه گزراپی، جامعه و نمونه، صفحه‌ی ۱۷ تا ۲۳)

بنابر ضرب‌المثل معروف «با یک گل بهار نمی‌شود» نمی‌توان همواره با شواهد کم، حکم کلی داد. در گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» به دلیل کوچک بودن اندازه‌ی نمونه، نتیجه‌ی حاصل از نمونه، قابل تعمیم به جامعه نمی‌باشد.

۱۵۰-

(علی دارابی‌نیا، جامعه و نمونه، صفحه‌ی ۲۴ تا ۲۶)

$$(250 - 101) + 1 = 150$$

حذف اعشار

$$0/134 \times 150 = 20/1 = 20 + 1 = 21$$

پس ۲۱ امین عدد انتخاب می‌شود. (عدد اول ۱۰۱، عدد دوم ۱۰۲ و... عدد ۱۲۱ ام ۱۲۱ می‌شود).

### آزایه‌های ادبی

۱۵۱-

(معصومه گوررزی، مقدمات، صفحه‌ی ۱۱)

هر	ک	ج	م	ه	ز	آ	ب	ر	س	ر	شد
-	U	-	-	-	U	-	-	-	-	U	-
چ	ن	ب	ش	ع	ق	ر	پ	و	ا	ی	او

۱۵۲-

(کتاب آبی، مقدمات، صفحه‌ی ۶ کتاب درسی)

بیتی که هر دو مصراع آن قافیه داشته باشد، «مصرع» نام دارد.

کلمات «جانم و دلستانم» قافیه‌های این بیت هستند.

۱۵۳-

(سرعاله زارع، قالب‌های شعر فارسی، صفحه‌ی ۲۰ و ۲۱)

غزل در قرن ششم ه. ق. یا کمی پیش از آن رواج می‌یابد و تا روزگار ما همواره از قالب‌های درجه‌ی اول و محبوب شعر فارسی بوده است.

۱۵۴-

(سامل رمضانی‌تبار، مقدمات، صفحه‌ی ۱۰)

$$11 \div 11 = 1 \quad 11 \div 11 = 1 \quad 11 \div 11 = 1$$

۱۵۵-

(سیریمال طباطبایی‌نژاد، مقدمات، صفحه‌ی ۲۱)

شاعر در مصراع اول بیت آخر، از تخلص «صائب» استفاده کرده است، بنابراین نام شعری خود «صائب» را در مصراع آخر نیاورده است، بلکه در مصراع پنجم شعر آورده است.

۱۵۶-

(اعظم نوری‌نیا، قالب‌های شعر فارسی، صفحه‌های ۲۶، ۲۸ و ۲۹)

«وحشی بافقی» از سرایندگان مشهور قالب ترکیب‌بند است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: ترکیب‌بند شعری است چند بخشی که هر بخش آن از نظر قافیه و درون‌مایه همانند قصیده یا غزل است.

گزینه‌ی «۳»: شمار بخش‌های ترکیب‌بند نامعین و به اختیار شاعر است.

۱۵۷-

(اعظم نوری‌نیا، قالب‌های شعر فارسی، صفحه‌ی ۱۸ و ۲۱)

«رهی معیری» از غزل‌سرایان مشهور معاصر است.

۱۵۸-

(اعظم نوری‌نیا، مقدمات، صفحه‌ی ۵)

ابیات «ه» و «ز» مردف هستند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

بیت «الف»: مقفّاست.

بیت «ب»: مصرع است.

بیت «ج»: مقفّاست.

بیت «د»: مصرع است. (کلمات دارای ردیف باید عیناً از نظر لفظ و معنی یکسان باشند)

بیت «و»: مصرع است.

۱۵۹-

(بهناز آرون، مقدمات، صفحه‌ی ۱۲)

س	ت	ر	م	ت	گ	س	ت
ش	ب	ن	م	ه	س	پ	ت
U	-	U	-	-	U	-	-

۱۶۰-

(بهناز آرون، مقدمات، صفحه‌ی ۱۱)

دو مصراع از نظر تعداد هجا یک‌سان هستند ولی نوع هجای آن‌ها متفاوت است و هم وزن نیستند.

پ	د	ن	د	ل	ک	ف	ک	ح	ل	ها
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-

پ	ن	م	ص	پ	ش	گ	رم
U	U	-	U	-	U	-	-

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»:

تا	در	د	و	م	ف	ن	ش	ند
-	U	U	-	U	U	-	U	-

گزینه‌ی «۲»:

گو	ب	د	م	ر	چ	ز	د	ما	در
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-

گزینه‌ی «۳»:

ای	زل	ف	ت	ه	خ	م	ن	دی
-	-	U	U	-	U	-	U	-



منطق

مبحث سوالات: تعریف

۱۶۱-

(آرزو فرابنده، صفحه‌ی ۱)

وجود انسان آمیخته‌ای از «روح و جسم» است، که هر کدام از این دو براساس قوانینی خاص فعالیت می‌کنند. در عین حال، فعالیت هر دو «هدف‌دار» و «قانونمند» است.

۱۶۲-

(آرزو فرابنده، صفحه‌ی ۱ و ۲)

«تفکر» مهم‌ترین فعالیت روح انسان است و «منطق»، قواعد حاکم بر دنیای تفکر است. ما می‌توانیم این قواعد را «کشف» کنیم و با تأکید این قوانین «سریع‌تر»، «بهتر» و «دقیق‌تر» بیندیشیم.

توضیح نکات درسی:

تدوین = ترتیب آنچه که هست.

ابداع = نوآوری و ایجاد کردن

ارسطو، منطق را تدوین کرد، ابداع نمود.

۱۶۳-

(مژگان قلیلی، صفحه‌های ۳، ۹ و ۱۱)

منطق از «ذات» انسان سرچشمه می‌گیرد و برنامه‌های «نیست» که یک دانشمند بسازد.

تعریف فعل به «کلمه‌ی نشان دهنده‌ی زمان»، «جامع نیست».

توضیح نکات درسی:

تعریف صحیح فعل: کلمه‌ی نشان دهنده‌ی زمان، انجام کار و نشان دهنده‌ی حالت

۱۶۴-

(مهمربارک لطفی، صفحه‌ی ۱)

ملاک برتری آدمی که همواره در طول تاریخ تکرار شده، «قدرت تفکر و اندیشه» است، که معمولاً در کتاب‌های منطقی و فلسفی از آن به «نطق» یاد می‌کنند و منظور از آن «سخن گفتن» نیست.

توضیح نکات درسی:

اقسام نطق:

۱) نطق ظاهر ← سخن گفتن و گویا بودن

۲) نطق باطن ← تفکر و تعقل یا قدرت اندیشه‌ی انسان

۱۶۵-

(مهمربارک لطفی، صفحه‌ی ۶)

علم و ادراک ما به دو دسته‌ی «تصور و تصدیق» تقسیم می‌شود که تصورات در ذهن ما هستند و به تصدیقات «قضیه» یا «جمله» نیز گفته می‌شود.

۱۶۶-

(رقیه ستاری، صفحه‌ی ۹ تا ۱۱)

در تعریف مذکور، هم تعریف از مفاهیم کلی و عام به مفاهیم جزئی‌تر رسیده است و هم از حداقل یک مفهوم درونی (مواد ساختمانی) استفاده شده است و هم معرفت و معرفت با هم ارتباط دارند، اما درحالی‌که تعریف جامع است، مانع نیست.

۱۶۷-

(فاطمه شومیری، صفحه‌ی ۸ تا ۱۰)

توجه به قواعد و شرایط تعریف:

۱- روشن تر بودن معرفت از معرفت ۲- مرتبط بودن مفاهیم به کار رفته در تعریف با معرفت ۳- مساوی بودن معرفت با معرفت یا جامع و مانع بودن تعریف ۴- استفاده از حداقل یک مفهوم درونی در تعریف. هر رشته‌ی علمی دارای اصطلاحات و مفاهیم مخصوص به خود است که «آشنایی و تعریف آن مفاهیم» دروازه‌ی ورود به آن علم است.

۱۶۸-

(سیاوش فراشاس، صفحه‌ی ۹ تا ۱۱)

تعریف مثلث به شکلی که محدود به سه ضلع مساوی باشد «جامع» نیست؛ زیرا تمام مثلث‌ها را در بر نمی‌گیرد.

تعریف میز به جسم چوبی، «جامع» نیست؛ زیرا همه‌ی میزها، چوبی نیستند و «مانع» نیست؛ زیرا مانع ورود صندلی، کمد و ... نمی‌شود.

۱۶۹-

(فارج از کشور، ۹۰، صفحه‌ی ۳ و ۵ کتاب درسی)

منطق، علمی است که طرزکار ذهن را در عمل اندیشیدن، تشریح می‌کند تا آدمی با آگاهی از این طرز کار بهتر از آن استفاده کند. فکرکردن ذاتی آدمی است و این طور نیست که اراده کند که بیندیشد یا نه و به صورت غیرارادی فکر می‌کند البته انتخاب موضوعات و مسائل مورد تفکر، ارادی است.

۱۷۰-

(کنگور سراسری، ۹۳، صفحه‌ی ۶ کتاب درسی)

در «تصدیقات»، نوعی حکم و قضاوت وجود دارد و گاهی به جای کلمه‌ی «تصدیق»، از کلمات دیگری مانند «قضیه» و «جمله» نیز استفاده می‌کنیم.

روان‌شناسی

**مبحث سؤالات: کلیات روان‌شناسی**

(کنکور سراسری ۹۰، صفحه‌ی کتاب درسی)

۱۷۱-

این پرسش که «انسان چگونه رفتار می‌کند؟» پرسشی است که بشر از آغاز خلقت با آن روبه‌رو بوده و در آینده نیز با آن روبه‌رو خواهد بود. برای یافتن پاسخ این پرسش، کوشش‌های بسیاری صورت گرفته و نیز صورت خواهد گرفت. بهتر است بگوییم پایانی ندارد. کلمه‌ی «احتمالاً» در گزینه‌ی «۴» باعث نادرستی جمله شده است.

(فرهار تراز، صفحه‌ی ۳)

۱۷۲-

روان‌شناسی که از سال ۱۸۷۹ میلادی به‌عنوان یک علم تجربی شناخته شده، کوشش کرده تا به پرسش «انسان چگونه رفتار می‌کند؟» پاسخ دهد.

(کنکور سراسری ۹۰، صفحه‌ی ۵ کتاب درسی)

۱۷۳-

هدف دیگر فعالیت علمی، پیش‌بینی پدیده‌ی موردنظر است. این هدف، زمانی تحقق می‌یابد که توصیفی تجربی از پدیده‌ی موردنظر انجام شده باشد.

**توضیح نکات درسی:**

اگر پیش‌بینی دارای درجه‌ی بالایی از اعتبار باشد، در آن هنگام روان‌شناس می‌تواند رابطه‌ی بین علت و معلول را مورد توجه قرار دهد.

(ظاهره ممبری نیکو، صفحه‌ی ۶ و ۷)

۱۷۴-

در روش قیاسی برای ارائه‌ی یک نظریه‌ی علمی، دانشمند، ابتدا پس از مشاهدات اولیه یک حدس اولیه یا فرضیه ارائه می‌دهد. بعد به بررسی و آزمایش و جمع‌آوری اطلاعات پرداخته و پس از جمع‌آوری شواهد تجربی کافی، به مرحله‌ی تأیید یا عدم تأیید نظریه یا تئوری خود می‌رسد. فرضیه همان حدس‌های اولیه‌ی دانشمند می‌باشد.

(رویا رحمانی، صفحه‌ی ۱۱)

۱۷۵-

استفاده از اطلاعات عمومی نیاز به استفاده از مرکز یادگیری و تفکر کلامی در نیمکره‌ی چپ مغز دارد که سبب حرکت چشم به سمت راست می‌گردد. این امر مربوط به رویکرد زیست‌شناختی است.

۱۷۶-

(مینا توکلی نژاد، صفحه‌ی ۱۱)

نظریه‌ی فروید و هم‌چنین روش درمان او، هر دو روان‌کاوی نامیده می‌شود. نظریه‌ی روان‌کاوی در تبیین تحول انسان بر نقش تعامل غرایز ذاتی و تجارب اولیه‌ی دوران کودکی تأکید می‌کند. از نظر روان‌کاوان غرایز دارای بنیادهای بدنی هستند.

۱۷۷-

(فرهار تراز، صفحه‌ی ۱۴)

رویکرد شناختی به رایانه شبیه‌تر است تا از آن طریق بتوان پدیده‌های سیستم شناختی انسان را توصیف و تبیین کرد؛ بنابراین، استفاده از مدل‌ها در روان‌شناسی شناختی، شیوه‌ی ارزشمند و پرتثمری در به‌دست آوردن اطلاعات بوده است.

۱۷۸-

(مریم اقمیری، صفحه‌ی ۷ و ۱۳)

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینه‌های «۱» و «۳»: به‌خاطر اینکه جمله‌ی خبری نیستند فرضیه محسوب نمی‌شوند.

گزینه‌ی «۴»: در حوزه‌ی رویکرد روان‌کاوی بررسی می‌شود و نه رویکرد رفتاری.

۱۷۹-

(کتاب آبی، صفحه‌ی ۱۷ کتاب درسی)

رویکرد انسان‌گرا با اتخاذ یک نگاه مثبت به رفتار انسانی و تأکید بر پذیرش مسئولیت فردی تا حدودی، توانسته است دیدگاه‌های جبرگرایانه‌ی روش‌های علمی مرسوم را به چالش بکشاند.

۱۸۰-

(بهاره اکبری، صفحه‌ی ۱۵)

رویکرد انسان‌گرا بین دو رویکرد رفتاری (تأکید بر عوامل محیطی) و روان‌کاوی (تأکید بر عوامل غریزی و ناهشیار) قرار می‌گیرد و ابراهام مازلو به‌عنوان یک روان‌شناس انسان‌گرا این رویکرد را نیروی سوم در روان‌شناسی نام‌گذاری کرد.